

گویش‌های بشکردی، کُردشولی و کُمزاری

ترجمه لایلا عسگری

مجموعه‌ای به نام *زبان‌های دنیا* در مسکو به زبان روسی منتشر شده است؛ جلد اول از زبان‌های ایرانی این مجموعه به گویش‌های ایرانی جنوب غربی اختصاص دارد. از آنجا که گویش‌های بشکردی، کُردشولی و کُمزاری از این گروه در ایران کمتر مورد تحقیق و بررسی واقع شده و تا حدودی ناشناخته‌اند، از میان دیگر گویش‌های جنوب غربی برای ترجمه برگزیده شدند.^۱

گروه گویش‌های بشکردی^۲

و.و. موشکالو

۱. نخستین بار در کتاب فلایر (Floyer: 1882) از گروه گویش‌های بشکردی / بشاکردی (baškardī / bašākerdī) یاد شده است؛ اما بیشتر مطالب زبان‌شناختی این گروه از گویش‌ها که فلایر گرد آورده بود، از بین رفته است. گرشویچ در ۱۹۵۶ به بشکرد سفر کرد؛ مطالب او به‌طور کامل منتشر نشد، اما در برخی از آثارش از آنها استفاده کرد. در این مقاله از تحقیقات گ. مورگنشتیرنه و نیز پ. ا. شروو (لهجه هرمز و میناب) استفاده شده است.

۲. گروه گویش‌های بشکردی در منطقه بشاکرد، در نزدیکی سواحل خلیج فارس، در

(۱) در کتاب اصلی هر یک از این گویش‌ها در قالب مقاله‌ای مستقل آمده است.

2) Moshkalo, B.B., "Bashkardi gruppa dialektov", in: *Yazyki mira: Iranskie yazyki. I. Yugo-zapadnye Iranskie yazyki*. Moskva: Indrik, 1997, pp. 194-198.

جنوب شرقی ایران پراکنده است.

۳. در واقع، گروه گویش‌های بشکردی بررسی نشده‌اند و حتی هم‌اکنون دستیابی به اطلاعاتی از شمار گویشوران آن ناممکن به نظر می‌رسد. بیشتر اهالی بشکرد زبان فارسی را می‌دانند، اما برای فارسی‌زبانان گویش بشکردی قابل فهم نیست.

گویش بشکردی از همه سو (جز از سمت شمال) در محاصره زبان بلوچی است. از این رو، به احتمال بسیار، گویشوران بشکردی به زبان بلوچی تسلط نسبی دارند.

۴. گروه گویش‌های بشکردی جایگاه تاریخی مستقلی را در میان دیگر گویش‌های جنوب غربی زبان‌های ایرانی به خود اختصاص داده است. این جایگاه، با توجه به بازتاب نشانه‌هایی از صامت‌های ایرانی باستان در گویش بشکردی، کاملاً آشکار است:

(۱) ایرانی $d < *z$: بشکردی جنوبی $domestān$ «زمستان» > ایرانی $*zam-$ (به‌اضافه $*stāna-$)؛ (۲) ایرانی $h < *θ < *s'$: بشکردی شمالی $pī$ «تا» > ایرانی $*paθyā$ ؛ (۳) ایرانی $s < *θr$: بشکردی جنوبی $yōpes$ «آبستن» > $*āpuθā-$ ایرانی؛ (۴) ایرانی $st < *s't$: بشکردی شمالی $rāst$ ستاک مضارع (حال) فعل «فرستادن» قس. فارسی شمالی $ferest-$ ؛ (۵) ایرانی $s/h < *θv < *s'u$: گویش‌های هرمز و میناب $šoš$ «شپش».

با توجه به تحقیقات گرشویچ، زیرگونه‌های بشکردی به شکل زیر دسته‌بندی شده‌اند: رودباری شامل گویش / لهجه‌های جوس و اَوَزی که در بندرعباس رایج است، گویش / لهجه هرمز و گویش‌های رودانی و برنتینی نزدیک شمال شرقی میناب و به‌ویژه گویش میناب یعنی مینابی؛

بشکردی شمالی شامل گویش / لهجه شرق و جنوب میناب اطراف منطقه مارز، رامشک، گرون و درزه در شرق؛ سردشت، انگوهران، بیوچ و بشنو در جنوب شرقی؛ دورکان، گشمیران و ماریچ در جنوب شرقی؛

بشکردی جنوبی شامل لهجه / گویش شاه بابک، گراهون، پیرو، پارمونت، گوافر است؛ ای. گرشویچ برخی از این گویش‌ها را پیژگی نامیده است.

از گروه گویش‌های بشکردی شمالی و جنوبی تقسیم‌بندی بسیار کلی‌تری وجود دارد: بشکردی شمالی: (۱) ایرانی $-r < *t-$ $espir$ «سفید» > ایرانی $*spaita-$ قس. بشکردی جنوبی $sepīt$ ؛ (۲) ایرانی $-g < *u-$ $gin-$ ستاک حال فعل «دیدن» > ایرانی ستاک حال $*uaina-$. بشکردی جنوبی: (۱) ایرانی $-x < *k-$ $verx$ «گرگ» > ایرانی

۲) ایرانی $urka-*$ ؛ ۳) ایرانی $rtii-*$ ؛ $mōš$ «مرد» > ایرانی $martii a-*$ ؛ ۳) ایرانی $t- < *-t-$ ؛
katam «کدام» > ایرانی $katā ma-*$ ، قس. بشکردی شمالی $karō n$ «کدام».

در برخی از گویش‌ها $ē/i$ و $ō/ū$ تبدیل به مصوت مرکب شده‌اند: گویش رامشک
 $per ū ē šō n-$ ستاک حال «فروختن» > $frō šā n-*$ ، گویش گرون $pī ē šter$: «تا، پیش از»
> $pē štar-*$. در رودباری $ē/i$ > ya/ye : $geryaw-$ ستاک حال «گریستن» > $grē w-*$.

۵. ویژگی‌های خاص آوایی-دستوری. اطلاعات آوایی به شکل پراکنده و گسسته
مشخص شده است. از این رو، به دست دادن ویژگی‌های مصوت‌ها و صامت‌ها تا کنون
میسر نشده است. با توجه به منابع موجود می‌توان برخی نکات درخور توجه را در زمینه
آواشناسی تاریخی مطرح کرد:

الف) مصوت‌ها: ایرانی $ū < *-ā$ (بشکردی جنوبی $pū$ «پا» > ایرانی $pād-*$)؛ ایرانی
 $ō < *-a$ (بشکردی جنوبی $mō š$ «مرد» > ایرانی $marta-*$)؛ ایرانی $ā/ō < *-a$ (بشکردی
شمالی $sāl$ ، بشکردی جنوبی $sō r/sār$ «سال»)؛ ایرانی $ū/ū < *-au$ (بشکردی شمالی $du š$ ،
لهجه میناب $dū š$ «دوش، دیشب» > ایرانی $dau š-*$ «دیشب»)؛ ایرانی $e/ū/ū < *-au$
(لهجه میناب $rū z$ ، بشکردی جنوبی res «خورشید» > ایرانی $rau č a-*$)؛ ایرانی $ī < *-ai$
(بشکردی شمالی $espī r$ ، بشکردی جنوبی $sepīt$ «سپید»)؛ ایرانی $e < *-u$ (بشکردی
جنوبی $yopes$ «آبستن» > ایرانی $āpus-*$). واژه‌هایی که با $ā$ آغاز شده‌اند در بشکردی
به جای آن y پس‌زبانی (پسین) ظاهر می‌شود. بشکردی جنوبی $āpus > yopes$ ،
بشکردی جنوبی $yā hmon$ «آسمان» > ایرانی $āsmā n$ ، $wās/yās$ «سنگ آسیاب»؛
بشکردی شمالی $yā w$ ، بشکردی جنوبی $yā p$ «آب» > $āpa-*$.

ب) صامت‌ها: ایرانی k در موضع میان مصوتی x (sax «سگ»، > $saka-*$ ،
بشکردی جنوبی $doxū rt$ «قیچی» > $karta + do$): ایرانی t در موضع میان مصوتی
< بشکردی شمالی r ، بشکردی جنوبی t (بشکردی شمالی $karō n$ ، بشکردی جنوبی
katam «کدام» > ایرانی $katā ma-*$)؛ ایرانی p در موضع میان مصوتی < بشکردی
شمالی w ، بشکردی جنوبی p (بشکردی شمالی $yā w$ ، بشکردی جنوبی > $yā p$ ایرانی
 $āpa-*$)؛ ایرانی $rd < *$ بشکردی شمالی l ، بشکردی جنوبی r ($sō r/sār$ ، $sāl$) «سال»؛
ایرانی $hm < *s m$ (لهجه میناب $čehm$ ، لهجه هرمزی $čā šman > č em$)؛ ایرانی $č$ در
موضع میان مصوتی < بشکردی جنوبی s (res «آفتاب، خورشید» > $rau č a-*$).

نوع ساخت هجای متداول V، CV، CVC است: بشکردی شمالی ā، لهجه میناب o «او»؛ بشکردی ī «این» لهجه میناب to «تو»، mā «ما»؛ بشکردی شمالی doh(t)، بشکردی جنوبی dek «دختر»، بشکردی sax «سگ».

اسم دارای مقوله‌های شمار و معرفه و نکره است. نشانه صرفی معرفه در بشکردی شمالی c/i- و در جنوبی o- است: saxc (معرفه) «سگ»، deko (معرفه مشخص) «دختر». شمار جمع با کمک پسوندهای ā-، ōn- در بشکردی شمالی و an- در بشکردی جنوبی ساخته می‌شود: mōšōn/mōšā «مردها»، dekan «دختران».

ضمایر شخصی: اول شخص مفرد (لهجه هرمز و میناب): mā، بشکردی شمالی mon، بشکردی جنوبی men «من»؛ دوم شخص مفرد لهجه هرمز و میناب و بشکردی جنوبی to «تو»؛ سوم شخص مفرد لهجه هرمز و میناب o، بشکردی شمالی ā «او»؛ اول شخص جمع لهجه میناب mā، بشکردی جنوبی yamah؛ دوم شخص جمع لهجه میناب šomā «شما»؛ سوم شخص جمع لهجه میناب tšōn، بشکردی شمالی ā'ūn «آنها». افزون بر ضمایر شخصی، ضمایر شخصی متصل و پیش‌بستی که صورت مفرد آنها ادامه ضمایر متصل ایرانی باستان است نیز وجود دارد که در حالت اضافی-برایی به کار می‌رفته است. در شمار جمع، ضمایر باستانی پسوند جمع ūn- می‌گیرند. ضمایر متصل عبارت‌اند از: اول شخص مفرد در بشکردی شمالی و جنوبی (o)m-، دوم شخص (e)t-، سوم شخص (-i/-y (-h, -c)؛ اول شخص جمع بشکردی شمالی (لهجه میناب و هرمز) mōūn- (mo-)، بشکردی جنوبی an-، دوم شخص بشکردی شمالی tōūn- (لهجه میناب et-)، بشکردی جنوبی o(x)-، سوم شخص بشکردی شمالی šōūn- (šo-)، بشکردی جنوبی š(c)-. ضمایر پیش‌بستی به صورت نشانه خاص شخص و شمار عامل (فاعل منطقی) با فعل کمکی «باید» به کار برده می‌شوند: لهجه بندرعباس و میناب m'ā vā «من باید»، t'ā vā «تو باید»، š'ā vā «او باید».

ضمایر اشاره: hamī, ī «این». نشان دادن ویژگی کاربرد ضمایر اشاره با برخی واژه‌ها در لهجه میناب ضروری به نظر می‌رسد: ām-/om-/hō-rūz «امروز»، hōsāl «امسال»، بشکردی شمالی hōmsāl «امسال».

فعل مشخصه‌های باب، وجه، زمان، شمار و شخص دارد. باب فعل: معلوم و مجهول و وجه فعل: اخباری، التزامی، امری است. مفهوم زمان فعل‌های صرف شده (خودایستا)

معمولاً با نمود فعل بسیار آمیخته است. تقابل زمان اولیه افعال با دو ستاک نشان داده می‌شود: زمان مضارع (ستاک حال)، حاصل تحول ستاک مضارع ایرانی باستان و ماضی (ستاک گذشته) حاصل تحول صفت مفعولی مختوم به *-ta ایرانی باستان. از ستاک مضارع وجه امری، زمان حال-آینده، وجه اخباری و التزامی ساخته می‌شود. از ستاک گذشته فعل نیز انواع زمان گذشته ساخته می‌شود. شمار دقیق صورت‌های زمانی-نمودی افعال در گویش بشکردی نامشخص است.

زمان حال-آینده وجه اخباری با افزودن پیشوند a-(ä-) و شناسه‌های شخصی به ستاک مضارع ساخته می‌شود: بشکردی شمالی a-īn-om، بشکردی جنوبی a-vīn-īn «می‌بینم». زمان حال استمراری از مصدر (-en + ستاک گذشته) با کمک پیشوندهای فعلی در بشکردی شمالی a-(ä-)، در گویش بندرعباس -nä، در بشکردی جنوبی -be و فعل اسنادی (= با شناسه شخصی) ساخته می‌شود: بشکردی شمالی a-kerdēn-om، بشکردی جنوبی be-kért(ēn)in «دارم می‌کنم». زمان گذشته از ستاک گذشته ساخته می‌شود. ساختار زمان گذشته افعال لازم و متعدی و نیز ساختمان جمله آنها با یکدیگر متفاوت است: بدین‌سان که جمله افعال لازم فاعلی و جمله افعال متعدی ارگتیو است. برای افعال متعدی در همه زمان‌های گذشته ویژگی ارگتیو وجود دارد: بشکردی شمالی mon-et dīst-om، جنوبی men-et dīt-īn «تو مرا دیدی». در زمان گذشته به ستاک گذشته افعال لازم شناسه‌های شخصی افزوده می‌شود که در این صورت شخص و شمار آنها با فاعل منطقی مطابقت دارد. شناسه سوم شخص مفرد صفر است: wox «(او) آمد» (> ایرانی *-ā(x)ta). گذشته نقلی از صفت مفعولی (= ستاک گذشته به همراه پسوند بشکردی شمالی -o(h)/-ih/-ch، بشکردی جنوبی -x) با الحاق فعل اسنادی (ربطی) ساخته می‌شود. مشخصه افعال متعدی در زمان گذشته ساختار ارگتیو است: بشکردی شمالی: šōn xwardī- جنوبی eš xūx- «آنها نوشیده‌اند (این را)». بشکردی شمالی -mon-disteh-en، جنوبی -an dīx-en «ما دیده‌ایم (آنها را)». زمان گذشته بعید با افزودن -ar- در بشکردی شمالی و نیز -at- (دقیقاً «بود») در بشکردی جنوبی به ستاک گذشته و در افعال متعدی با افزودن فعل اسنادی ساخته می‌شود: بشکردی شمالی (لهجه میناب) neštare «نشسته بود»، بشکردی شمالی bastar-en، بشکردی جنوبی bāxat-en «بسته بودند». زمان حال استمراری و امری از ستاک مضارع با افزودن پیشوند -be (نیز

بشکردی جنوبی (e-) و شناسه شخصی ساخته می‌شود. شناسه‌های شخصی زمان حال-آینده وجه اخباری و التزامی با یکدیگر مطابقت دارند:

بشکردی جنوبی		بشکردی شمالی		
مفرد	جمع	مفرد	جمع	
-in	-om/-ām	-īm/-īm	-om	اول شخص
-ū/-ō	-ah(t)	-ī	-ī	دوم شخص
-Ø	-c(h)n/-ā-	-cn/-endi	-c/-ä, -(c/ä)n	سوم شخص

فعل اسنادی به معنی «بودن، داشتن»: بشکردی جنوبی heš و neš، گذشته فعل «بودن»: بشکردی شمالی ar- (سوم شخص مفرد a)، لهجه میناب hästäre، بشکردی جنوبی (h)at-.

از میان حروف اضافه تنها (بشکردی، لهجه هرمز و میناب) -ä، بشکردی شمالی -ci، جنوبی a- «از» (> ایرانی *hača) شناخته شده است.

اطلاعات و منابع کافی برای ارائه مشخصه‌های ترکیب واژگانی گویش لهجه بشکردی موجود نیست؛ اما آشکار است که هسته اصلی واژگان آن واژه‌هایی با پیشینه ایرانی است.

منابع

- FLOYER, E. A., *Unexplored Baluchistan*, London, 1882; GERSHEVITCH, I., *Dialect variations in early Persian*, *Transactions of the Philological Society*, London, 1964; —, "Iranian chronological adverbs", *Indo-Iranica*, Wiesbaden, 1964; —, "Out door terms in Iranian, *A locust's leg. Studies in honour of S. H. Taqizadeh*", London, 1962; —, *Philologia Iranica*, selected and ed. by N. Sims-Williams, Wiesbaden, 1985; —, "Sissoo at Susa", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, London, 1957, 19; —, "The Sogdian word for 'advice, and some Muy documents", *Central Asiatic Journal*, 1962, vol. 7, No. 1; —, "Travels in Bashkardia", *Journal of the Royal Central Asian Society*, 1959, vol. 46; MORGENSTIERNE, G., "Balochi miscellanea", *Acta Orientalia*, 1948, XX; —, "Neu-iranische Sprachen", *Handbuch der Orientalistik von Spaler... Iranistik Abschnitt I. Linguistik*, Leiden; Köln, 1958, Bd. 4; REDARD, G., "Other Iranian Languages", *Current Trends in Linguistics*, The Hague, Paris, 1970, vol. 6; SKJÆRVØ, P. O., "Languages of Southeast Iran: Lāstāni, Kumzari, Baškardī", *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, 1989; —, "Notes on dialects of Minab and Hormoz", *Norsk Tidsskrift for Sprogvidenskap*, Oslo, 1975, No. 29.

زبان/گویش کردشولی^۳

آ.آ. کریمووا

۱. نام کردشولی شاید با منطقه کردشول، که اهالی آن به کردشولی صحبت می‌کنند، ارتباط داشته باشد. ۲. زبان/گویش کردشولی به گویش‌های لُری و بختیاری شباهت و با فارسی معاصر نیز مطابقت دارد.

مصوت‌های آن عبارت‌اند از: a, o, u, ä, e, i, j, ç, g, k, d, t, b, p; سایشی: h, γ, x, y, z, s, f; ضبط شده است: انسدادی: n, m, j, ç, g, k, d, t, b, p; سایشی: h, γ, x, y, z, s, f; زنجری: r. در این زبان/گویش چند ویژگی آوایی در مقایسه با زبان فارسی امروز (معاصر) دیده می‌شود: ۱) مصوت i در جایگاه u فارسی (تاریخی: ü, ö) آمده است: di «دود» قس. بختیاری dī، فارسی dud (فارسی کلاسیک dūd)؛ bud-/bid-، قس. بختیاری bīd-، فارسی bud- (فارسی کلاسیک būd-)، گذشته فعل «بودن»؛ mi «مو»، قس. بختیاری mī، فارسی mu (فارسی کلاسیک mōy)؛ m در جایگاه b فارسی: zemun «زبان»، فارسی zābān (قس. گویش لری ممسنی kāmūtār، فارسی kābutār «کبوتر»؛ ۳) št در جایگاه st فارسی: xākeštār «خاکستر»، فارسی xākeštār؛ h در جایگاه x فارسی: hunc «خانه»، فارسی xānc (قس. گویش لری ممسنی، بختیاری hūnā)؛ ۵) افزوده شدن k در واژه mušk «موش»، فارسی muš؛ ۶) ظاهر شدن x قبل از š در واژه päxšc «پشه»، فارسی päš(š)c (قس. لهجه لری ممسنی päšā «پشه»؛ ۷) افتادن d: dānu «دندان»، فارسی dāndān قس. گویش لری فیلی dino.

مفعول مستقیم (اسم یا ضمیر) با پسوند -c مشخص می‌شود: mo to-n-e didām «من تو را دیدم» (قس. لری، بختیاری -ä، -e گونه‌های گویشی فارسی -o، -c).
ضمایر این گویش عبارت‌اند از: «من» mo، «تو» to، «ما» mā، «شما» šā، «آنها» išā؛ ضمیر پرسشی: kuḵā «کجا؟».

افعال از دو ستاک ساخته می‌شوند: ستاک حال و ستاک گذشته. مانند فعل «گفتن» goftān در وجه اخباری (ستاک حال -go، ستاک گذشته -god: ۱. زمان حال-آینده: اول شخص مفرد -i-go-m؛ ۲. زمان گذشته ساده: اول شخص مفرد -god-ām، سوم شخص

3) KERIMOVA, A. A., "Kurdshuli yazyk/dialekt", in: *Yazyki mira: Iranskie yazyki. I. Yugo-Zapadnye Iranskie yazyki*, Moskva: Indrik, 1997, pp. 193-194.

مفرد god؛ اول شخص جمع god-im، دوم شخص جمع god-id، سوم شخص جمع god-en؛ ۳. زمان گذشته کامل (ماضی بعید): اول شخص مفرد godä bud-um؛ ۴. زمان آینده: xä-am bu-gum «خواهم گفت»؛

۳. زبان/گویش کُردشولی در جنوب غربی ایران در حوالی منطقه پاسارگاد به ثبت رسیده است. اطلاعاتی درباره تعداد گویشوران کُردشولی در دست نیست.

۴. کُردشولی زبان روزمره شمار اندکی از قومی است که به شیوه نیمه کوچ‌نشینی به سر می‌برند.

منابع

Oranskii, I. M., *Iranske yazyki v istoricheskom osveshchenii*, M., 1979; Morgenstierne, G., "Stray notes on Persian dialects", *Norsk Tidsskrift for Sprogvidenskap*, 1960, 19.

زبان/گویش کمزاری^۴

ای. ک. مالچانووا

۱. نام زبان/گویش کمزاری با کمزارهای ایرانی‌نژاد در سواحل عرب‌نشین خلیج فارس ارتباط دارد.

۲. زبان/گویش کمزاری متعلق به گروه جنوب غربی زبان‌های ایرانی است. در گستره پراکندگی کمزاری، عربی زبان رسمی است. ارتباط مستمر ایرانیان کُمزاری با عرب‌ها پیدایش مجموعه با اهمیتی (بیش از ۳۰ درصد) از واژه‌های عربی در واژگان کمزاری و نیز پدیده تداخل آوایی (biškār از واژه کهن تر piškār «پیشکار»، hain از واژه کهن تر āhan «آهن» و غیره) در آواهای آن را سبب شد. در نحو کمزاری شباهت‌هایی با زبان عربی دیده می‌شود که احتمالاً به سبب رشد همگرایی این زبان‌ها است. مانند ساختارهایی با معنی «داشتن» با حرف اضافه حالت بایی: wā-me «(با من)» «من دارم»، قس. عربی مَعَهُ «با او» و نیز در ترکیب صفت و موصوف که در زبان عربی، صفت از لحاظ شمار و معرفه یا نکره بودن با اسم مطابقت می‌کند.

4) Molchanova, E.K., "Kumzari yazyk/dialekt", in *Yazyki mira: Iranske yazyki. I. Yugo-Zapadnye Iranske yazyki*, Moskva: Indrik, 1997, pp. 191-193.

از ویژگی‌های آوایی کمزاری وجود *h* حلقی و *r*، *d* برگشته است، که متأثر از زبان‌های خارجی (عربی، اردو) است. پدیده خاص آوایی کمزاری «ر» شدگی است، مانند: *dur* «دود»، *kāram* «کدام؟»، که با *dūd* «دود» و *kadām* «کدام» فارسی کلاسیک مطابقت می‌کند. در حوزه صامت‌ها این زبان ویژگی‌های تاریخی زبان‌های ایرانی جنوب غربی را نمایان می‌سازد:

d > فارسی باستان *d* (اوستایی *z*): *dan-* «دانستن»؛ *s* > فارسی باستان *ϕ* (اوستایی *Or*): *pas* «پسر»؛ *s* > فارسی باستان *s* (اوستایی *sp*): *γōs(an)* «گوسفند»؛ *z* > فارسی باستان و اوستایی *ǰ*: *bizen* «بزن»، و غیره.

ساخت زبان کمزاری صرفی-تحلیلی است. اسم‌ها فاقد حالت و جنس‌اند و مقوله‌های زیر پسوند می‌گیرند:

شمار (جمع *-ā*، *-an/-en*) مانند: *sōγ* «سگ»، *say-en/say-ā* «سگان، سگ‌ها»، (از جمله معرفه‌ها) *zānk-en gāp-an* «زنان بزرگ»؛ *z* (۲) معرفه/نکره (نشان معرفه *-ō*، نکره *-e*): *xānaye* «خانه»، *xānuge* «خانه‌ای» (نکره)؛ *murtk* «مرد»، *murtke* «مردی» (نکره)؛ *zanke* «زنی» (نکره)، *zankō* «زن» (معرفه)؛ *sōγ* «سگ»، *sōgō* «آن سگ» (معرفه)، *čōm* «چشم»، *čōmō* «چشم» (معرفه). توماس خاطرنشان می‌کند که برخی از واژه‌ها با پسوند *-ō* استثناء هستند: *zamiyō* «زمین»، *intā fō* «آفتاب»، *sultānō* «سلطان». افزون بر آن *bungō* «غروب» (با *bāng* «بانگ» فارسی کلاسیک به معنای «اذان» مطابقت دارد) و غیره. ترکیبات اضافی با نشانه پسایند *-i/-e/-a* (پس از مصوت‌ها *-ye*) نشان داده می‌شود.

مقوله زمان افعال با دو ستاک حال و گذشته، مانند: *fōšn-*، *fōšnid-* «فروختن»، بیان می‌شود. بر اساس شواهد، ماضی نقلی سوم شخص مفرد مختوم به *-se*، و سوم شخص جمع مختوم به *-sen* است: *zurse* «زده است»، *zursen* «زده‌اند». نیز گذشته کامل با سازه *-at* ساخته می‌شود: *burxat* «بوده بود». وجه و احتمالاً جهت فعل با پیشوندهای فعلی بیان می‌شود: *bi-zen* «بزن»، *me suwāl ti-kum* «من سؤال می‌کنم»، اما وجه امری بدون پیشوند فعلی به کار برده می‌شود: *čōr* «بشوی»، *čōrai* «بشوید». *xōr* «بخور، بنوش» (بر اساس حرف‌نویسی توماس). شخص و شمار با شناسه‌های شخصی بیان می‌شود (با توجه به تحقیقات پ. ا. شروو). زمان حال وجه اخباری و وجه التزامی اول

شخص مفرد: -um، دوم شخص مفرد -i، سوم شخص مفرد -a (توماس -ch آورده است)؛ اول شخص جمع -im (um-)، دوم شخص جمع -e، سوم شخص جمع -en است، مانند: me suwāl tik-um «من سؤال می‌کنم»، to suwāl tik-i «تو سؤال می‌کنی»، ye suwāl tik-e «او سؤال می‌کند». صورت‌های متصل فعل ربطی عبارت‌اند از: اول شخص مفرد -(a)m، دوم شخص مفرد -ī، سوم شخص مفرد -(e)n؛ اول شخص جمع -im، دوم شخص جمع -e، سوم شخص جمع -en. حالت منفی افعال با ادات نفی پسایند nă ساخته می‌شود (me suwāl tikum nă «من سؤال نمی‌کنم»). در این زبان/گویش صورت مصدری وجود ندارد.

در کمزاری ساختار جمله فاعلی است: ye buzurdiš me «او مرا زد». ساخت ارگتیو تنها در شناسه سوم شخص مفرد گذشته افعال لازم و متعدی حفظ شده است. شناسه سوم شخص مفرد در افعال لازم -ø و در افعال متعدی -iš (برگرفته از ضمیر شخصی متصل) است: hāmed «آمد»، اما fōšnid-iš «فروخت»، xōrd-iš «خورد»، čist-iš «شست». در فارسی محاوره‌ای صورت‌های مشابه این ساخت رایج است (gereft-äš «گرفت»، raft-äš «رفتش»، قس. صورت‌های ادبی gereft «گرفت»، raft «رفت»). گذشته از آن هر دو ساخت در قیاس با یکدیگر جایگاه یکسانی دارند: یعنی burwad «فرار کرد» به صورت burwad-iš «فرار کردش» نیز اشاره شده است، همچنین tursid-iš «ترسیدش».

ضمایری که شروو اشاره کرده، عبارت‌اند از: ضمایر شخصی (به شکل متصل نیز به کار برده می‌شوند): me/me «من»، to/to «تو»، ye/(ī)ye «او»، ma^h/ma^h «ما»، -šuma^h/šuma^h «شما»، ye، -šen/šen «آنها»؛ ضمایر اشاره: īye «این»، جمع ān، ya'an «آن»، جمع ānana؛ «اینها»، ašinéna «آنها»؛ ضمایر پرسشی و قیدها: čam-bō «چرا؟»، gāyā «کجا؟»، karam «کدام؟»، kāyī «چه وقت؟»؛ حروف اضافه (bāy(ā) «بدون»، jāgā «به جای»، naxā «به وسیله، با، در»، pe/pī «از»، päyye «پس از، در پی»، tāyyur «تا»، wā «با»، حرف اضافه پسایند (bō) «برای، به خاطر» (čam-bō «چرا؟»، حرف ربط پیرو: kā «اگر»).

۳. زبان/گویش کمزاری (با توجه به اطلاعات دهه ۱۹۳۰) در امارات متحده عربی، شبه جزیره مسندم، کمزار (یا کمزار)، دبی، خصب و جزیره لارک رایج است، گویشوران

آن، ایرانی‌های ساحل‌نشین طایفه شحوح هستند.
۴. زبان/گویش کمزاری، ظاهراً زبان مراوده بین اقوام است. گویشوران آن دو زبانه‌اند
و برای مراوده‌های خارجی و رسمی به زبان عربی سخن می‌گویند.

منابع

Molchanova, E. K., "Kumzari-arabskie yazykovye kontakty", *Irano-afrazijskie yazykovye kontakty*, M., 1987; Skjærvø P. O., "Languages of Southeast Iran: La resta ni, Kumzari, Baskardi", *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, 1989 (همان‌جا مطالعات تاریخی مختصری آمده است); Thomas, B., *The Kumzari Dialect of the Shihuh Tribe, Arabia*, Asiatic Society Monographs, London, 1930, vol. XXI.

